



علی مختاری مجاز

سرشناسه

مختاری مجاز، علی، ۱۳۷۲ -

عنوان و نام پدیدآور: مفتاح القرآن / علی مختاری مجاز.

مشخصات نشر: همدان: علی مختاری مجاز، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ صفحه-وزیری.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۶۹۱۶-۰

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان روی جلد: مفتاح القرآن: بررسی چگونگی فهم آیات الهی و پاسخ به

۲۳ پرسش اساسی پیرامون قرآن کریم.

یادداشت: کتابنامه.

عنوان روی جلد: مفتاح القرآن: بررسی چگونگی فهم آیات الهی و پاسخ به ۲۳ پرسش

اساسی پیرامون قرآن کریم.

موضوع: قرآن - بررسی و شناخت

موضوع: Qur'an -- Surveys

موضوع: قرآن - پرسش‌ها و پاسخ‌ها

موضوع: Qur'an -- Questions and answers

رده بنده کنگره: ۱۳۹۵ م ۷۳۶۳/۳/۳۶۶۵

رده بنده دیوبند: ۲۹۷/۱۵

شماره کتابخانه ملی: ۴۶۰۳۴۹۳



دیر خانه کانون های فرهنگی هنری مساجد
استان همدان

علی مختاری مجاز

طراح جلد: علی شیرینی

صفحه آرای: محمد مهدی روحی- علی شیرینی

حروفچینی: سپهر قدیمی

همکاران مولف: حجت الاسلام و المسلمین محمد باقر مجاز

دکتر حمید کریمی کیمر- کمیل رنجبران

ناظر چاپ: علی سیاری

چاپخانه: صالح

ناشر: علی مختاری مجاز

مرکز پخش: همدان- چهار راه پژوهش- جنب سر در دانشگاه

بوعلی سینا- کتابسرای رواق

تلفن مرکز پخش: ۸۳۸۱۳۹۲ - ۰۸۱۴ و ۰۹۳۵۵۲۵۸۱۴۷

فهرست نویسی: فیا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۶۹۱۶-۰

بهاء: ۱۰،۰۰۰ تومان

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

فهرست

۹.....	مقدمه:
۱۷.....	فصل اول : عظمت و جایگاه قرآن مجید
۲۳.....	قرآن از نگاه اندیشمندان اسلامی
۲۴.....	قرآن از نگاه اندیشمندان غیر اسلامی
۲۷.....	فصل دوم : مسئله شناخت و فهم قرآن
۲۹.....	مسئله شناخت و فهم قرآن
۳۰.....	منظور از فهم قرآن
۳۰.....	ضرورت شناخت و فهم قرآن
۳۱.....	مهمترین دلایل ضرورت شناخت قرآن
۳۸.....	فهم پذیری قرآن
۴۰.....	تفاوت ظرفیتها در فهم قرآن
۴۱.....	قرآن و فهم های متعدد

فصل سوم : چگونه فهم قرآن..... ۴۳

۴۵..... چگونه فهم قرآن

۴۵..... الف: مبانی یا پیش فرض های فهم قرآن

۴۵..... ۱- اصالت های سه گانه ی شناخت قرآن

۴۶..... ۲- هدفمند بودن نزول آیات الهی

۴۶..... ۳- ان واقع نمای قرآن

۴۸..... ۴- عمومیت مخاطبین قرآن

۴۸..... ب: قواعد و ابزار فهم قرآن

۴۸..... ۱- آشنایی با زبان و ابیات عرب

۴۹..... ۲- در نظر گرفتن سیاق آیات

۵۰..... ۳- جامع نگری در فهم قرآن

۵۷..... ۴- توجه به مبانی تاریخی و شان نزول ها در قرآن کریم

۵۹..... ۵- توجه به مخاطب یا فضای کلی سخن در فهم قرآن

۶۰..... ۶- توجه به علم و عقل در فهم قرآن

۶۳..... ۷- توجه به روایات تفسیری

۶۶..... ۸- صفا و طهارت نفس

۶۷..... نتیجه گیری

فصل چهارم : پاسخ به بیست و سه پرسش اساسی..... ۶۹

۷۱..... مقدمه

۷۲..... پرسش اول

آیا قرآن کلام خداست؟

- ۷۹..... پرسش دوم.....
 دلیل برخورد منفی پیامبر با درخواست معجزه؟
- ۸۴..... پرسش سوم.....
 قرآن و مسائل شخصی پیامبر
- ۸۷..... پرسش چهارم.....
 قرآن بیانگر همه چیز است؟
- ۹۱..... پرسش پنجم.....
 قرآن افضل است یا پیامبر و اهل بیت ایشان؟
- ۹۳..... پرسش ششم.....
 تدبیر تعقل در آیات الهی یا تفسیر به رای؟
- ۹۵..... پرسش هفتم.....
 کدام عالم مرتب تأیید و تشویق قرآن است؟
- ۱۰۰..... پرسش هشتم.....
 آیات متشابه بستری برای سوء استفاده فتنه انگیزان! چرا؟
- ۱۰۲..... پرسش نهم.....
 توصیف دوگانه انسان یک تناقض؟
- ۱۰۹..... پرسش دهم.....
 هدایت و ضلالت در اختیار خداوند است یا انسان؟
- ۱۱۳..... پرسش یازدهم.....
 آفرینش انسان برای سعادت است یا شقاوت؟
- ۱۱۶..... پرسش دوازدهم.....
 آیاتی در تناقض با عصمت انبیاء الهی!
- ۱۲۵..... پرسش سیزدهم.....
 تکرار داستان پیامبران در قرآن، چرا؟
- ۱۳۷..... پرسش چهاردهم.....
 وعده عذاب الهی در برابر عدل الهی!

پرسش پانزدهم..... ۱۴۱

آیا عرضه امانت الهی بر انسان ظلوم و جهول، کاری عادلانه و عاقلانه است؟

پرسش شانزدهم..... ۱۴۵

روح خدا در وجود انسان های شرور چگونه قابل توجیه است؟

پرسش هفدهم..... ۱۵۴

تکلیف بیش از توان آری یا خیر؟

پرسش هجدهم..... ۱۵۹

آیا کشتن و برون کردن کفار از سرزمین هایشان و یا دریافت جزیه، اجبار در دین نیست؟

پرسش نهم..... ۱۶۵

آنان و مجوز نکاح با زنان محصنه و اسیر!

پرسش بیستم..... ۱۶۸

بخشش گناهان و نابود عموال صالح یا دیدن ذره ای خوبی و بدی در قیامت؟

پرسش بیست و یکم..... ۱۷۱

تفسیر قرآن به زبان!

پرسش بیست و دوم..... ۱۸۴

قصاص قبل از جابیت

پرسش بیست و سوم..... ۱۹۰

حقیقت ماجرای عذاب قوم نوح

سخن آخر..... ۱۹۷

منابع..... ۲۰۱

وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم
(ولی) ستمگران را جز زیان نمی افزاید

مقدمه:

خدایا تویی سزاوار ستایش های نیکو و بسیار ستودن، از آن لحظه ای که به یاد
دارم و تا روزم تری برترین یارم. شکر از لطف و داده های بیکرانت، از احسانت به آنچه
خواستم. نخواستم که نیکو ترینش را عطا کردی. فروغ مهرت جام زندگی ام را لبریز
کرده تا جز از سپاس را معترف گشتم.

لحظه ها چه نباشند، بر وقفه سپری می شوند. زمان چه زود می گذرد. گویی دمی
پیش بود که دغدغه ای از نیتن به خاطرمان زدی تا به یاری تو قلم به دست
گرفته و امانتی از اندیشه و سیرت دال پیشگی واصلان محبوب را به قلوب جویای
حقیقت تحویل دهیم.

بر هر لحظه که همراهی تو اسرار و قوت کار را موجب شد و انجام وظیفه را
توفیق داد بیکران سپاسگذاریم و خواهانیم که بدانیم: «لَا مُؤَثِّرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ»^۱
همه هیچند و تو همه ای.

چه ذلیل و بیچاره ایم آنگاه که عزت و احترامی از زبان های گشاده
به تحسین دیگران؛ به ما احساس بودن و ارزشمندی دهد و به یاد بگیریم که عزت و
بزرگی تنها از توست.^۲

و چه گویم از قرآن که نه فهم مرا به مراتب عالی آن راهیست و نه وصف آن
در بیانم جاریست. پس چه می شود کرد به جز آنکه بر آستان مولی الموحدین
امیرالمومنین علیه السلام قرار بگیریم و گوش دل بسپاریم تا او از کلام پروردگارش برایمان بگوید

۱. اسراء آیه ۸۲.

۲. میزان الحکمه.

۳. نساء آیه ۱۳۹.

و ما همچنان متحیرانه بنگریم...

قرآن مشعلی است که نور آن هرگز خاموش نمی‌گردد، چشمه زاینده‌ای است که واردان از آن نمی‌کاهند، نشانه‌هایی است که روندگان بی آن‌ها راه نمی‌یابند، دلیل کسی است که به آن سخن گوید، فیروزی کسی است که آن را حجت آورد، نگه دارنده کسی است که به آن عمل کند، سپر کسی است که آن را دربرگیرد، دانایی کسی است که آن را در گوش دارد. همانا قرآن کان ایمان و کانون آر، سنگ‌های بنای اسلام و پایه آن، میدان‌های حق و راه‌های آن است. آگاه باشید که این قرآن یگانه خیرخواهی است که قلب و خیانت نمی‌کند و هدایتگری است که گمراه نمی‌نماید و سخنگویی است که دروغ نمی‌گوید، هیچ کس هم نشین با این قرآن نگشت مگر اینکه از کنار قرآن با افزایشی و یا کاهش بر خاست، افزایشی در هدایت و یا کاهش از کوری و ضلالت. و آگاه باشید که بر کسی از پس قرآن فقری نخواهد بود و نه برای کسی قبل از قرآن غنایی حاصل است؛ پس به جهت دردهایتان، از قرآن بهبودی طلب نمایید و به واسطه قرآن بر سختیهای یاری جوید، چرا که در آن شفایی است از بزرگترین دردها، و آن کفر است و نفاق و تباهی است و ضلالت، پس به واسطه قرآن از خدا درخواست کنید و با عشق به قرآن بسویش روی آورید و با آن از خلقش چیزی نخواهید چرا که بندگان (تاکنون) با چیزی همانند قرآن بسوی خدا روی نیاورده‌اند. و آگاه باشید که او شفاعتگری است مورد قبول و گوینده است مورد تصدیق، و بی‌شک هر که را قرآن در روز قیامت شفاعت کند بی‌درنگ پذیرفته خواهد شد و از هر که قرآن شکایتی نماید بلافاصله تأیید خواهد گشت چرا که قرآن در روز قیامت ندا می‌کند: «بهوش باشید هر کشتکاری در کشته خود و عاقبت عملش گرفتار است مگر کشتکاران قرآن»^۱.

از آنجا که هر پیامبری برای اثبات نبوت خویش معجزه‌ای ارائه می‌کند، پیامبر اسلام ﷺ نیز قرآن را به عنوان معجزه‌ای الهی ارائه کرد. معجزه‌ای که بر دلها اثر می

۱. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸ ترجمه محمد دشتی.

۲. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ ترجمه محمد دشتی.

گذاشت و اثر آن بر سران مشرکین مخفی نبود. از همان زمان بود که مخالفان ایشان سعی در مخفی کردن حقیقت و ابطال اثر آیات قرآن در قلوب مردم داشتند. اما به سبب ناتوانی آنها و اقبال مردم به شنیدن آیات قرآن، سران مشرکین چاره ای ندیدند جز آنکه شنیدن قرآن را تحریم کرده و مردم و مسافران مکه را از شنیدن آن منع کنند. در این راستا، بخاطر ایجاد هراس و دور کردن مردم از پیامبر ﷺ به ایشان اتهاماتی زدند. آنها حضرت را مجنون^۱، کاهن^۲ شاعر^۳ کاذب و افتراگو^۴ می خواندند. علاوه بر این، قرآن را اسطوره و افسانه^۵ می نامیدند.

البته این ترفندها بود که امتهای گذشته نیز نسبت به پیامبران خویش داشتند؛ یعنی وقتی می دیدند توان مقابله با آنها را ندارند، با عناوینی چون ساحر، کذاب و مجنون به پیامبران افترا می بستند تا بدین وسیله، آنها را از سر راه خویش بردارند؛ «كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مَرَّوْنَهُمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجُنُّونٌ؛ همچنان هیچ رسولی بر امم پیش نیامد جز آن که (او را تکذیب کرده و) گفتند او ساحر یا دیوانه است.»^۶ آری، انسان هر چه در توان داشتید به کار می بستند و هنگامی که نتوانستند جلوی پیشرفت حق را بگیرند، سعی در اخراج و عزل پیامبر ﷺ گرفتند، اما از اراده الهی غافل بودند؛ «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُغْرِبُوكَ وَ يُمَكِّرُونَ وَ يُمَكِّرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ؛ به یاد آر زمانی را که کافران با تو مکر می کردند تا تو را از مقصد خود (که تبلیغ دین است) باز دارند یا به قتل رسانند یا از شهر بیرون کنند. (آنها) مکر کنند، خدا هم با آنان مکر می کنند و خدا بهتر از هر کسی می تواند مکر نماید»^۷

در عصر امامان علیهم السلام نیز، در پی گسترش و ترویج معارف قرآن، روند تهمت و دروغ

۱. طور، آیات ۲۹ و ۱۵؛ قلم، آیه ۵۱؛ صافات، آیه ۳۶.

۲. طور، آیه ۲۹.

۳. صافات، آیه ۳۶.

۴. یونس، آیه ۳۸؛ هود، آیه ۱۳ و ۳۵؛ سجده، آیه ۳.

۵. نحل، آیه ۲۴. «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أُنْزِلَ رُبَّمَا قَالُوا أَطَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ؛ و هنگامی که به آنها گفته شود: پروردگار شما چه نازل کرده است؟ می گویند: اینها افسانه های پیشینیان است.

۶. ذاریات آیه ۵۲.

۷. انفال آیه ۳۰.

نسبت به آن و تردید در وحیانی بودنش ادامه یافت. حتی باعث بروز شبهاتی در دل برخی از افراد گشت.

پاسخ ائمه علیهم السلام و یارانشان به سوالاتی در مورد تناقضات قرآن، بیانگر مطرح بودن این موضوع در آن دوران است که به نمونه هایی اشاره می کنیم:

۱- در کتاب التوحید شیخ صدوق باب «الرد علی الثنویة و الزنادقة» نقل شده است که مردی محضر امیر المومنین علیه السلام آمد و عرض کرد: «إِنِّي قَدْ شَكَّكْتُ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْمُنَزَّلِ؛ مَرَّ فِي كِتَابِ الْهَيِّ بِهْ شَكِّ افْتَادَه ام». وقتی حضرت از علت آن پرسید، گفت: «لِأَنِّي وَادَعْتُ بِحِثَابٍ يُكَذِّبُ بَعْضُهُ بَعْضًا فَكَيْفَ لَا أَشْكُ فِيهِ؛ چون برخی آیات یکدیگر را تکذیب می کنند، پس چگونه در آن شک نکنم». حضرت فرمود: «إِنَّ كِتَابَ اللَّهِ لَيُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَلَا يَكْذِبُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَلَكِنَّكَ لَمْ تُرَاقِبْ عَقْلًا تَنْتَفِعْ بِهِ؛ فَهَاتِ مَا شَكَّكْتُ فِيهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ آیات قرآن یکدیگر را تصدیق می کنند؛ نه تکذیب؛ ولی عقل تو به اندازه ای نیست که بهانه ای از آن بهره مند شوی. پس آنچه را که در آن شک کرده ای از کتاب بدار و زوال بیار. موارد شک خودت را بگو. (تا پاسخ گویم)، وی آیات زیادی را بیان کرد و شبهات را برشمرد و امام علیه السلام پاسخ لازم را داد. در این حدیث شبهات و آیات زیادی، که وهم تناقض اند بیان شده است.

۲- مردی خدمت امیرمؤمنان علیه السلام آمد و گفت: «لَا مَا فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْإِخْلَافِ وَ التَّنَاقُضِ لَدْخَلْتُ فِي دِينِكُمْ؛ اگر در قرآن شما اختلاف و تناقض بود، من آینه من داخل در دین شما می شدم» حضرت فرمود: آن موارد را بگو. همه را گفت و امام علیه السلام به آن ها پاسخ داد. وقتی شبهاتش رفع گردید، اسلام را پذیرفت. این حدیث از جامع ترین احادیثی است که بسیاری از شبهات و آیات موهم تناقض را به همراه پاسخ در خود جای داده و مرحوم طبرسی آن را در کتاب «الإحتجاج علی أهل اللجاج» نقل کرده است.

۳- از اصبع بن نباته نیز نقل شده است که امیر المومنین علیه السلام بر منبر کوفه پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم، از من بپرسید زیرا در اطراف و جوانب من علم

۱. التوحید، شیخ صدوق مترجم و شارح، استاد علی اکبر میرزایی، باب الرد علی الثنویة و الزنادقة.
 ۲. بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۹۸، باب ۱۲۹ احتجاجات امیر المؤمنین صلوات الله علیه علی الزندیق المدعی للتناقض فی القرآن و أمثاله.

بسیار است... شخصی گفت: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَجَدْتُ كِتَابَ اللَّهِ يَنْقُضُ بَعْضُهُ بَعْضًا؛ ای امیر المؤمنین، من بعضی آیات قرآن را ناقض هم یافته ام». امام علیه السلام فرمود: «كِتَابُ اللَّهِ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَلَا يَنْقُضُ بَعْضُهُ بَعْضًا؛ آیات کتاب خدا همه اش تصدیق کننده هم است، نه ناقض و ردکننده هم». هر چه به خاطر می آید بپرس! گفت: ای امیر المؤمنین، در آیه ای فرماید: «رَبُّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ»^۱، و در دیگری فرموده: «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ»^۲ و در جای دیگر فرموده: «قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ»^۳!

امیر المؤمنین علیه السلام در پاسخ فرمود: ای ابن کواء، این مشرق است، این هم مغرب، و اما آیه «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» به تحقیق که مشرق زمستان بر حدی و مشرق تابستان نیز بر حدی است، آیا این را از دوری و نزدیکی شمس در نمی بایی؟ و اما آیه: «رَبُّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ» آن سیصد و شصت برج دارد، هر روز در برجی حاضر و از برجی دیگر غایب می شود، فقط در سال دیگر در همان روز به همان برج باز می گردد.^۴

خورشید هر روز از نقطه تازه ای طلوع در نقطه تازه ای غروب می کند، بنابراین به تعداد روزهای سال مشرق و مغرب داریم و از سوی دیگر در میان این همه مشرق و مغرب، دو مشرق و دو مغرب در میان آنها ممتاز است: یکی در آغاز تابستان، یعنی حداکثر اوج خورشید در مدار شمالی، و یکی در آغاز زمستان، یعنی حداقل پایین آمدن خورشید در مدار جنوبی است، (که از یکی تعبیر به «مدار راس السرطان» و از دیگری تعبیر به «مدار راس الجدی» می کنند) و چون این دو کاملاً مشخص است، روی آن مخصوصاً تذکره شده است. علاوه بر این، دو مشرق و دو مغرب دیگر که آنها را مشرق و مغرب اعتدالی می نامند (در اول بهار و اول پاییز، هنگامی که شب و روز در تمام دنیا برابر است) نیز مشخص می باشد که بعضی «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» را اشاره به آن گرفته اند و آن نیز قابل توجه است.

۱. معارج آیه ۴۰.

۲. الرحمن آیه ۱۷.

۳. شعرا آیه ۲۸.

۴. الإحتجاج علی أهل اللجاج، طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱.

ص ۲۵۹.

اما آنجا که به صورت «مفرد» ذکر شده، معنی جنس را دارد که توجه تنها روی اصل مشرق و مغرب است، بی آن که نظر به زمان خاصی داشته باشد. به این ترتیب تغییرات مختلف بالا هر یک نکته ای دارد و انسان را متوجه تغییرات مختلف طلوع و غروب آفتاب و تغییر منظم مدارات شمس می کند.^۱

بنابراین از همان هنگام تا امروز، موافقت ها و مخالفت ها و بعضا سطحی نگری ها با قرآن کریم همچنان ادامه دارد. آن هنگام که قرآن کریم، جن و انس را به مبارزه طلبید تا اگر خیال می کنند قرآن کریم، ساخته و پرداخته پیامبر اسلام ﷺ است مانند آن بیاورند، رویارویی با آن به اوج خود رسید و اینک با گذشت هزار و اندی سال از آمدن قرآن، این کتاب مقدس، کسی نتوانسته است مانند آن بیاورد. به تصریح قرآن کریم، این قرآن کتابی است برای همیشه تاریخ «وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ لِتُدْرِكُم بِهِ ذِكْرٌ بَعْضٌ مِّنْ وَحْيٍ شَدَّ بِهِ وَصِيلَهُ ۚ أَن، شما و هر کس را که این قرآن به او می رسد انذار کنم»^۲

پس معجزه بودن قرآن نیز برای تمام انسانها و تمام زمانهاست؛ یعنی در حال حاضر نیز کسی نمی تواند مانند آن بیاورد.

سرّش آن است که خداوند نوری را که خود برافروخت، روشن نگه خواهد داشت و حق را احیا خواهد کرد و باطل را خواهد میراند، «رَجَعْنَا الْكَافِرِينَ وَ الْمَجْرُمِينَ إِلَىٰ مِصْرَ الْأُولَىٰ ۚ فَيُجِزُّهُمْ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» و «يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُحِثَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقَطَعَ دَائِرَ الْكَافِرِينَ يُحِثُّ اللَّهُ ۚ وَ يُبْطِلُ الْبَاطِلَ وَ تَوَكَّلْ عَلَىٰ الْمَجْرُمُونَ» خدا می خواست که صدق سخنان حق را ثابت گرداند از بیخ و بن، ریشه کافران را برکند تا حق (دین اسلام) را محقق و پایدار کند، باطل را محو و نابود گرداند؛ هر چند بدکاران را خوش نیاید.^۳

اما آنان که در مقابل کتاب مقدس الهی قد علم کرده اند، هیچ گاه پرچم پیکار با دین را بر زمین نخواهند گذاشت و همیشه با آن به پیکار برخوانند خواست، هر

۱. گرد آوری از کتاب: تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی، ج ۲۵، ص ۵۳.

۲. انعام آیه ۱۹.

۳. انفال آیات ۷ و ۸.

چند روش برخورد‌ها گاهی ملایم و آرام و گاهی خشن و تند است، گاهی نیز با بیان عباراتی سعی در منطقی جلوه دادن اشکالات و مخالفت‌های خویش دارند.

بدیهی است در این بین کسانی نیز هستند که قصد دشمنی و لجاجت ندارند و فقط دچار اشکالات علمی شده‌اند. که البته این بواسطه تبلیغات سوء دشمنان خدا از آغاز پیدایش ادیان الهی تاکنون و یا سطحی نگری خود افراد در فهم و برداشت صحیح از قرآن است.

اما به هر شکل شبهات مطرح شده حول محور قرآن کریم، این کمترین را برآن داشته‌اند. در حد توان و بضاعت و با کمک اساتید فن و با مطالعه آثار بزرگان و متخصصان به بررسی و پی‌گیری نگاه قرآن کریم، اهمیت و لزوم شناخت آن و همچنین چگونگی فهم کلام خداوند، پرداخته و نیز تحلیل بیست و سه پرسش اساسی حول محور قرآن کریم در ادامه بی‌ورم، بعد تا صاحبان اندیشه و اهل تحقیق نقد منتقدین و رد شبهات را در ترازوی عدل و انصاف، علم و خرد نهاده و خود عادلانه داوری نمایند. امید است این تلاش مورد توجه خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم‌السلام قرار بگیرد و توانسته باشیم قدمی هرچند کوچک در مسیر توسعه و اعتلای ارزش‌های دینی برداشته و به لطف کریمان شامل این سخن گوییم. بی‌شک می‌مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار بگیریم که فرمود:

«هر مومنی که بمیرد و یک ورق کاغذ از او بماند که دانشی بر آن باشد، آن ورقه روز قیامت میان او و دوزخ حائل و مانع می‌شود...»^۱

من الله التوفیق

علی مختاری مجاز

۲۰ دی ماه ۱۳۹۵ مطابق با ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۳۷